فراسو

سهم ۱۵ درصدی اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص ملی با کمک بخش خصوصی ممکن است

محمد معین

برنامه هفتم توسعه از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا پایان سال ۱۴۰۷ اجرا خواهد شد. در این برنامه برای نخستین بار موضوع ارتباطات و فناوری اطلاعات و همه زیرشاخه‌های آن از جمله شبکه ملی اطلاعات، دولت هوشمند و اقتصاد دیجیتال فصل جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است که از سال آینده باید عملیاتی شود. به باور کنشگران، توجه برنامه هفتم توسعه به موضوع ارتباطات و فناوری اطلاعات نشان می‌دهد برای حاکمیت، توسعه فناوری اطلاعات و کاربردهای آن به‌عنوان پیشران توسعه دارای اهمیت فراوانی است، چراکه ارتباطات و فناوری اطلاعات فقط یک زیرساخت نیست بلکه به‌عنوان یک عامل توانمندساز توسعه است که در سند برنامه هفتم توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است بنابر این می‌توان این سند را یک نقطه عطف در نظام برنامه‌ریزی کشور تلقی کرد.

یکی از مهم‌ترین هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه برای حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات، رسیدن به ۱۵ درصد از تولید ناخالص ملی اقتصاد دیجیتال کشور است و رسیدن به این مهم بر اساس پنج رکن تأمین مالی، تأمین نیروی انسانی، فضای کسب‌وکار، زیرساخت‌ها و داده و اطلاعات در قانون برنامه هفتم هدفگذاری و برای هر پنج رکن اقتصاد دیجیتال در برنامه هفتم توسعه احکامی پیش‌بینی شده است.

در حوزه تأمین مالی، کسب و کارهای دیجیتال را از طریق بورس یا ابزارهای مالی جدید و پذیرش از طریق دارایی‌های دیجیتال می‌توانند تأمین مالی شوند یا در حوزه سرمایه انسانی تربیت و آموزش مهارت دیجیتال ۵۰۰ هزار نفر دیده شده است. برای رسیدن به این دو هدف مهم در برنامه هفتم توسعه حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات، دولت می‌تواند برای تأمین مالی از مشارکت بخش خصوصی استفاده کند.

اما درباره تعیین سهم ۱۵ درصدی از اقتصاد دیجیتال هم به‌زعم کارشناسان این بخش هم با مشارکت بخش خصوصی ممکن می‌شود البته به گفته آنها این رقم در مقایسه با کشورهای توسعه یافته عدد و رقم کوچکی است اما اگر همین میزان هم با اجرایی کردن برنامه‌ها عملیاتی شود می‌تواند تحول بزرگی را در کشور ما به‌وجود آورد. فعالان حوزه ای. سی. تی انتظار دارند اقتصاد دیجیتال در کشور بیش از ۱۵ درصد رشد کند چون به عقیده آنها هر چقدر این سهم بزرگ‌تر شود به نفع کل اقتصاد کشور است، با بزرگ‌تر شدن سهم اقتصاد دیجیتال در کشور اشتغال زیاد شده و کارایی و اثربخشی بهتر خواهد شد. شفافیت ارتقا یافته و کمک می‌کند تا اقتصاد از وضع کنونی عبور کند و عملیاتی شدن این امر هم نیازمند افزایش سهم اقتصاد دیجیتال در کل اقتصاد کشور است. به باور کارشناسان امکان عملیاتی شدن بخش توسعه اقتصاد دیجیتال برنامه هفتم توسعه وجود دارد. با وجود تحریم‌های ظالمانه اقتصاد دیجیتال نسبت به بسیاری از صنایع، پیشرفت و توسعه مناسبی داشته است و می‌تواند بیش از این هم توسعه یابد و به سهم ۱۵ درصدی برسد به شرط اینکه موانع جدی داخلی پیش‌روی این صنعت برداشته شود.

گفته می‌شود در کشور ما حدود شش درصد تولید ناخالص ملی وجود دارد و به تعبیر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات این تولید ناخالص در اقتصاد دیجیتال به ۱۰ درصد رسیده و رشد پنج درصدی در کشور در این حوزه رشد قابل توجهی است و پیشرانی در کل صنایع کشور به همراه خواهد داشت و اگر سهم ۱۵ درصدی از تولید ناخالص ملی در اقتصاد دیجیتال اجرایی شدن می‌تواند تحولزا و اشتغالزا باشد و گام بلند عمومی رو به جلو خواهد بود.

به باور برخی از کارشناسان وقتی از سهم‌خواهی ۱۵ درصدی از اقتصاد دیجیتال صحبت می‌کنیم یعنی این بخش باید از دیگر بخش‌های اقتصادی کشور بزرگ‌تر شده و سهم خود را از کل اقتصاد کشور بیشتر کند. باید بتواند با دیگر صنایع رقابت کرده و با افزایش رشد خود از دیگر صنایع پیشی بگیرد بنابراین باید برای رسیدن به این هدف شاهد تحول در بخش‌های زیرساخت‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و مغزافزاری باشیم. اینترنت پرسرعت؛ تسهیل فضای کسب و کار اینترنتی، حمایت‌های مالیاتی بیمه‌ای و غیره به همراه ثبات اقتصادی می‌تواند به این موضوع کمک کند. کارشناسان اعتقاد دارند یکی از راه‌های رسیدن به این سهم از اقتصاد دیجیتال را وجود اراده ملی برای داشتن زیرساخت‌های فناوری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است تا کشور به سمت تولید ناخالص ملی در حوزه اقتصاد دیجیتال حرکت کند. برای رسیدن به سهم ۱۵ درصدی در اقتصاد دیجیتال باید توازن رعایت شده و به همه بخش‌ها توجه شود. به عبارتی باید در سیاستگذاری و اجرا توازن داشته باشیم تا اقتصاد دیجیتال به درستی در مسیر خود حرکت کند. ایجاد مکانیزم‌های نظارتی متناسب برای اجرای گام به گام برنامه است اگر سیستم نظارتی گام به گام باشد و از توان بخش خصوصی و ظرفیت تشکل‌ها و تجاربی که پیش از این در برنامه کسب کرده‌ایم، کمک بگیریم می‌توانیم به نتیجه دلخواه در پایان برنامه برسیم و برنامه را در پنج سال عملیاتی کرده و از عملیاتی نشدن پیشگیری کنیم. به اعتقاد کارشناسان وجود اختلالات در فضای اینترنت، محدودیت‌ها، تنظیم‌گری دستگاه‌هایی مانند بانک مرکزی، بیمه و وزارت امور اقتصادی و دارایی خود مانعی بر راه توسعه اقتصاد دیجیتال است بنابراین برای توسعه این بخش به همراهی بیشتر این بخش‌ها و رفع محدودیت‌ها نیاز دارد.

همان‌طور که در سند برنامه هفتم توسعه آمده است برای رسیدن به سهم ۱۵ درصدی اقتصاد دیجیتال نیاز به تربیت ۵۰۰ هزار نیروی انسانی متخصص است اما کارشناسان اعتقاد دارند ما به صورت مستمر در حال تربیت این نیروها هستیم. نیروی انسانی در فناوری اطلاعات جزو عناصر کلیدی است و در صورت هزینه شرکت‌های فناوری اطلاعات را هم نگاه کنیم بیشترین هزینه مربوط به نیروهای انسانی است. باید بتوانیم نیروهای انسانی را که در فناوری اطلاعات مغزافزار هستند، حفظ کنیم و حتی از ظرفیت‌های مهاجرت معکوس در کشور استفاده کنیم، در این صورت است که می‌توانیم به رشد اقتصادی بپردازیم و به افزایش شاخص رقابت‌پذیری‌مان در منطقه و جهان کمک کنیم. دولت باید به دنبال مشوق‌هایی برای ماندگاری نیروی انسانی باشد و به این فضا کمک کند.

البته در کل نقش شورای عالی فضای مجازی را در عملیاتی کردن راهبردها مهم است این شورا باید چند موضوع را اولویت قرار دهد، از انحصارطلبی و تبعیض در فرصت‌سازی برای فناوری پرهیز کند، توجه متوازن به فناوری اطلاعات داشته باشد، در رگولاتوری باید به مسائل از منظر اقتصادی فرصت‌سازی توجه کند، تقاضا در بازار را تحریک کند و به ایجاد نقشه راه زیرسیستمی در صنایع گوناگون به صورت مجزا بپردازد.

«جوان» آورده‌های تسهیل سرمایه‌گذاری بخش مردمی در صنعت نفت و گاز را بررسی می‌کند

توسعه میادین نفت و گاز با اقتصاد مردمی گره ناترازی انرژی را می‌گشاید

مهم‌ترین مسیر تحقق رشد اقتصادی پایدار بدون اتکا به بودجه با تسهیل سرمایه‌گذاری بخش مردمی اقتصاد به بالادست صنعت نفت و گاز است

با تسهیل ورود بخش مردمی اقتصاد به سمت سرمایه‌گذاری و توسعه میادین نفت و گاز کشور، علاوه بر افزایش رقابت‌پذیری در بالادست صنعت نفت و گاز، ورود فناوری نیز به این بخش اتفاق خواهد افتاد و بدون اتکا به بودجه، منابع متعدد و متنوعی در بستر و چارچوب پروژه‌های صنعت نفت و گاز قرار خواهد گرفت که مهم‌ترین مشکل توسعه صنعت انرژی کشور که بحث تأمین مالی است با تسهیل مجوز ورود بخش‌های غیردولتی برای بهره‌برداری میادین نفت و گاز، حل خواهد شد و اثر خروجی این مدل توسعه‌ای در بازطراحی تجارت انرژی، حل ناترازی انرژی صنایع کشور و در نهایت رشد اقتصادی کشور به طور کامل مشخص خواهد شد.

رشد اقتصادی پایدار برای شکوفایی و توسعه هر کشور ضروری است. برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، تنوع منابع درآمد و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد بسیار مهم است. در بسیاری از کشورها، صنعت نفت و گاز نقش بسزایی در اقتصاد دارد و پتانسیل جذب سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را دارد. با این حال، اتکا به صنعت نفت و گاز به تنهایی برای توسعه اقتصادی می‌تواند به دلیل نوسانات قیمت نفت و طول عمر محدود ذخایر نفت و گاز خطرآفرین باشد.

ایران کشوری با ذخایر عظیم نفت و گاز است که آن را به یک بازیگر اصلی در بازار جهانی نفت و گاز تبدیل کرده است. با این حال، این کشور در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال شده بر صنعت نفت و گاز خود با چالش‌هایی مواجه بوده است. برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و کاهش اتکا به بودجه، تسهیل سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اقتصاد به‌ویژه بخش مردمی برای ایران ضروری است. تسهیل سرمایه‌گذاری بخش مردمی اقتصاد در بالادست صنعت نفت و گاز برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در ایران ضروری است. ایران با اجازه دادن به شرکت‌های کوچک و شرکت‌های دانش‌بنیان برای سرمایه‌گذاری در توسعه میادین نفت و گاز، می‌تواند منابع درآمد خود را متنوع کند، رقابت و نوآوری را ترویج کند، به موضوع تأمین مالی بپردازد و فرصت‌هایی برای اشتغالزایی و توسعه اقتصادی ایجاد کند. این رویکرد می‌تواند به کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و ارتقای رشد اقتصادی در سایر بخش‌های اقتصاد کمک کند.

بخش مردمی اقتصاد شامل مردم، مشاغل کوچک، استارت آپ‌ها و شرکت‌های دانش بنیان است که پتانسیل سرمایه‌گذاری خرد سهام محور را دارند. با تسهیل سرمایه‌گذاری بخش مردمی اقتصاد در بالادست صنعت نفت و گاز، ایران می‌تواند منابع درآمد خود را متنوع کرده و وابستگی خود را به درآمدهای نفتی کاهش دهد. این رویکرد همچنین می‌تواند به ارتقای توسعه اقتصادی در سایر بخش‌ها مانند فناوری، تولید، کشاورزی و خدمات کمک کند.

یکی از زمینه‌های کلیدی که ایران می‌تواند سرمایه‌گذاری بخش مردمی را تسهیل کند، توسعه میادین نفت و گاز این کشور است. ایران دارای تعدادی میادین مشترک نفت و گاز است که پتانسیل جذب سرمایه‌گذاری از سوی بخش غیردولتی با تکیه بر سرمایه‌گذاری خرد مردمی را دارد. ایران با اجازه دادن به این بخش‌های غیردولتی برای مشارکت در توسعه این میادین، نه تنها می‌تواند رقابت‌پذیری در صنعت نفت و گاز را افزایش دهد، بلکه می‌تواند انتقال فناوری و نوآوری را نیز ارتقا دهد.

تسهیل سرمایه‌گذاری بخش مردمی اقتصاد در توسعه میادین نفت و گاز می‌تواند مزایای متعددی برای اقتصاد ایران داشته باشد. اولاً، می‌تواند به حل موضوع تأمین مالی که مانع بزرگی بر سر راه توسعه صنعت انرژی کشور است، کمک کند. با اجازه دادن به شرکت‌های کوچک و شرکت‌های دانش‌بنیان برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز، ایران می‌تواند از منابع مالی متنوع استفاده کند و اتکای خود به بودجه را کاهش دهد. ثانیاً، تسهیل سرمایه‌گذاری بخش مردمی اقتصاد در بالادست صنعت نفت و گاز می‌تواند به افزایش رقابت در صنعت نفت و گاز کمک کند که می‌تواند منجر به کارایی بالاتر، هزینه‌های کمتر و کیفیت بهتر خدمات شود. ایران با ترویج رقابت در این صنعت می‌تواند سرمایه‌گذاران بیشتری را جذب کند و نوآوری و سرمایه‌گذاری در فناوری را تشویق کند. این می‌تواند به نوسازی بخش نفت و گاز کشور و رقابتی‌تر کردن آن در بازار جهانی کمک کند. علاوه بر این، اجازه دادن به شرکت‌های کوچک و شرکت‌های دانش بنیان برای مشارکت در توسعه میادین نفت و گاز می‌تواند فرصت‌هایی را برای اشتغالزایی و رشد اقتصادی ایجاد کند. با تشویق سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها، ایران می‌تواند از کارآفرینی حمایت کند، نوآوری را پیش ببرد و تنوع اقتصادی را ارتقا دهد.

اقتصادهای پیش‌رو در دنیا، از جز به جز سرمایه بخش‌های مختلف اقتصاد در جهت توسعه اقتصادی استقبال می‌کنند و در همین راستا نیز انواع و اقسام ابزارهای مالی و پولی در همین راستا به کار گرفته می‌شود. موضوعی که متأسفانه در ایران به طور دقیق به آن پرداخته نشده است و در سال‌های اخیر مسیرهای اندک ولی متنوعی برای توسعه سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است.

یکی از حوزه‌های اصلی اقتصاد ایران که به تازگی سرمایه‌گذاری بخش مردمی اقتصاد در آن تسهیل شده است؛ بخش بالادست صنعت نفت و گاز و توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور به دست بخش مردمی اقتصاد بوده است. ورود سرمایه‌های خرد مردمی و شرکت‌های توانمند دانش‌بنیان در حوزه برداشت، علاوه بر هدایت نقدینگی جامعه به سمت پروژه‌های مهم نفت و گاز و توسعه میادین مشترک کشور، زمینه حضور و بهره‌مندی مردم از بخش پرسود و پر از فرصت انرژی کشور را نیز فراهم خواهد کرد.

با تسهیل ورود بخش مردمی اقتصاد به سمت سرمایه‌گذاری و توسعه میادین نفت و گاز کشور، علاوه بر افزایش رقابت‌پذیری در بالادست صنعت نفت و گاز، ورود تکنولوژی نیز به این بخش اتفاق خواهد افتاد و بدون اتکا به بودجه، منابع متعدد و متنوعی در بستر و چارچوب پروژه‌های صنعت نفت و گاز قرار خواهد گرفت که مهم‌ترین مشکل توسعه صنعت انرژی کشور که بحث تأمین مالی است با تسهیل مجوز ورود بخش‌های غیردولتی برای بهره‌برداری میادین نفت و گاز، به راحتی حل خواهد شد که اثر خروجی این مدل توسعه‌ای در بازطراحی تجارت انرژی، حل ناترازی انرژی صنایع کشور و در نهایت رشد اقتصادی کشور به طور کامل مشخص خواهد شد.

در همین رابطه پیرامون اهمیت و محوریت ورود سرمایه خرد مردمی به بخش بالادست نفت و گاز کشور و مسیر تحقق رشد اقتصادی پایدار بدون اتکا به بودجه با دو تن از کارشناسان و صاحبنظران این حوزه به گفت‌وگو پرداختیم.

توسعه میادین مشترک با شکستن انحصار توسعه میادین نفت و گاز

جعفر قادری عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس پیرامون اهمیت استفاده از ظرفیت بخش غیردولتی و مردمی اقتصاد در توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور به «جوان» گفت: «تمرکز بر توسعه مبتنی بر منابع عموم جامعه و ایجاد بازی دو سر برد برای مردم و دولت در زمینه توسعه میادین مشترک نفت و گاز بسیار مهم است و در این زمینه مصوبه مهمی در ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم توسعه به تصویب رسیده است که زمینه حضور و استفاده از ظرفیت بخش غیردولتی و مردمی اقتصاد در توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور را فراهم خواهد کرد.»

این عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در رابطه با لزوم عدم اتکا به بودجه دولتی و پیگیری برنامه‌های بدون بودجه با تکیه بر سرمایه‌های خرد مردمی گفت: «صرفاً با اتکا به منابع دولتی به هیچ وجه امکان توسعه نداریم و باید بر منابع بخش مردمی اقتصاد و هدایت نقدینگی به سمت بخش مولد و سودآور اقتصاد یعنی بخش نفت و گاز تمرکز کنیم.»

وی ادامه داد: «در زمینه فروش نفت و گاز استخراج شده از این میادین نیز کمک ویژه‌ای توسط بخش غیردولتی صورت خواهد گرفت و توسعه تجارت انرژی و همچنین رشد اقتصادی کشور نیز از این محل به خوبی قابل انجام است.»

قادری عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در پایان صحبت‌های خود با اشاره به اهمیت ورود بخش صنعتی با ابزارهای نوین و صرفه اقتصادی بالا برای این بخش گفت: «صنایع نیز در زمینه حل ناترازی خود و همچنین رشد اقتصادی حاصل از تداوم تولیدات صنعتی در زمان اوج مصرف گاز و برق، می‌توانند از این ظرفیت جدید تولید شده توسط سرمایه‌گذاری مستقیم خود صنایع یا مردم استفاده کنند و در این زمینه به خودتأمینی گاز و برق برسند.»

استفاده از سرمایه‌های خرد مردمی در جهت توسعه میادین مشترک نفت و گاز

سجاد اعیانی کارشناس حوزه سیاستگذاری اقتصادی نیز در رابطه با محوریت شکستن انحصار توسعه میادین نفت و گاز به «جوان» گفت: «موضوع روش‌های برداشت و دستیابی به بازارهای مناسب در توسعه میادین نفت و گاز یکی از جنبه‌های مهم این صنعت است که پیامدهای قابل توجهی برای تولید، سودآوری و توسعه اقتصادی دارد. در ایران، انحصار شرکت ملی نفت ایران در توسعه میادین نفت و گاز کشور در طول تاریخ، تنوع روش‌های برداشت و دسترسی کنترل‌شده به بازار را محدود کرده و در نتیجه رقابت و نوآوری در این بخش وجود ندارد.»

وی در ادامه اظهار کرد: «با این حال، تحولات اخیر در صنعت نفت و گاز ایران منجر به شکسته شدن این انحصار شده و به شرکت‌های بخش خصوصی امکان رقابت برای توسعه میادین را می‌دهد. این تغییر قابل توجه پتانسیل ایجاد تحول در توسعه میادین مشترک نفت و گاز در کشور، ارتقای رقابت، نوآوری و رشد اقتصادی را دارد. ایران با گشودن میدان به روی شرکت‌های بخش خصوصی، می‌تواند از طیف وسیع‌تری از تخصص، فناوری و سرمایه‌گذاری بهره‌مند شود که منجر به افزایش ظرفیت تولید و سودآوری می‌شود.»

این کارشناس حوزه سیاستگذاری اقتصادی در رابطه با پتانسیل‌های توسعه صنعت نفت و گاز ایران و قرارگیری ایران به عنوان یک بازوی مهم در توسعه تجارت انرژی اظهار کرد: «یکی از مزیت‌های کلیدی شکستن انحصار در صنعت نفت و گاز ایران، پتانسیل ورود شرکت‌های کلیدی خارجی به بازار است. با مشارکت شرکت‌های خارجی در توسعه میادین مشترک نفت و گاز ایران، کشور می‌تواند از هجوم سرمایه، فناوری و تخصص این شرکت‌ها بهره‌مند شود. این امر نه تنها باعث نوآوری و کارایی در صنعت می‌شود، بلکه بازارهای جدیدی را برای فروش نفت و گاز ایران باز می‌کند و اتکا به بازارهای سنتی را کاهش می‌دهد و تأثیر تحریم‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین با دعوت از شرکت‌های خارجی برای مشارکت در توسعه میادین مشترک نفت و گاز، ایران می‌تواند ظرفیت تولید را به حداکثر برساند و روش‌های برداشت را بهینه کند. شرکت‌های خارجی اغلب فناوری پیشرفته و بهترین شیوه‌ها را روی میز می‌آورند که می‌تواند به افزایش کارایی، افزایش بازده و بهبود سودآوری کلی حوزه‌ها کمک کند. این به نوبه خود می‌تواند درآمد ارزی کشور را بدون سرمایه‌گذاری مالی قابل توجه از بودجه دولت افزایش دهد.»

وی ادامه داد: «مشارکت شرکت‌های خارجی در توسعه میادین نفت و گاز ایران نیز فرصتی را برای انتقال دانش و مهارت به کارگران داخلی فراهم می‌کند. کارگران ایرانی با همکاری در کنار کارشناسان بین‌المللی می‌توانند تجربیات و تخصص‌های ارزشمندی کسب کنند که می‌تواند به ایجاد نیروی کار ماهر برای آینده کمک کند. این نه تنها به نفع صنعت نفت و گاز است، بلکه به توسعه کلی سرمایه انسانی و رشد اقتصادی کشور نیز کمک می‌کند. علاوه بر این، مشارکت شرکت‌های خارجی در توسعه میادین مشترک نفت و گاز می‌تواند به ترویج شیوه‌های پایدار و حفاظت از محیط‌زیست کمک کند. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی استانداردهای زیست‌محیطی سختگیرانه‌ای دارند و متعهد به کاهش ردپای کربن خود هستند. با مشارکت با این شرکت‌ها، ایران می‌تواند بهترین شیوه‌ها را در مدیریت زیست‌محیطی اتخاذ کند، تأثیر استخراج نفت و گاز بر محیط‌زیست را به حداقل برساند و به تلاش‌های جهانی برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی کمک کند.»

وی در پایان گفت: «شکستن انحصار در صنعت نفت و گاز ایران و دعوت از شرکت‌های خارجی برای مشارکت در توسعه میادین مشترک نفت و گاز، این پتانسیل را دارد که منافع قابل توجهی برای کشور به همراه داشته باشد. ایران با ارتقای رقابت، نوآوری و کارایی می‌تواند ظرفیت تولید را به حداکثر برساند، روش‌های برداشت را بهینه کند و سودآوری را در صنعت افزایش دهد. از این پس با بسترسازی مناسب و سوددهی جذاب و با بازگشت سریع سرمایه در پروژه‌های نفت و گاز تعریف شده ذیل این مدل می‌توان از ظرفیت‌سازی جهت استفاده از سرمایه‌های خرد مردمی در جهت توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور در جهت توسعه اقتصادی بیشتر و همچنین هدایت منابع بلااستفاده به سمت بخش مولد اقتصاد بهره برد.»

جعفر قادری
عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس

صرفاً با اتکا به منابع دولتی به هیچ وجه امکان توسعه نداریم و باید بر منابع بخش مردمی اقتصاد و هدایت نقدینگی به سمت بخش مولد و سودآور اقتصاد یعنی بخش نفت و گاز تمرکز کنیم. در زمینه فروش نفت و گاز استخراج شده از این میادین نیز کمک ویژه‌ای توسط بخش غیردولتی صورت خواهد گرفت

سجاد اعیانی
کارشناس حوزه سیاستگذاری

یکی از مزیت‌های کلیدی شکستن انحصار در صنعت نفت و گاز ایران، پتانسیل ورود شرکت‌های خارجی به بازار است. با مشارکت شرکت‌های خارجی در توسعه میادین مشترک نفت و گاز ایران، کشور می‌تواند از هجوم سرمایه، فناوری و تخصص این شرکت‌ها بهره‌مند شود

گفت‌وگو

کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کرد

عبور از عدم‌النفع توقف تولیدات صنعتی با سرمایه‌گذاری صنایع در ذخیره‌سازی گاز

کارشناس انرژی معتقد است ذخیره‌سازی گاز توسط صنایع تماماً سود است. زیرا از یک طرف فشار را از روی دولت در ماه‌های سرد سال برای تأمین گاز صنایع برمی‌دارد و به عدم‌النفع حاصل از قطع گاز صنایع پایان می‌دهد، از طرف دیگر، زمینه را برای عدم تعطیلی اجباری صنایع مهیا می‌کند و سود سرشاری را برای آنها به ارمغان می‌آورد. با مشوق‌های جدید تعریف شده برای صنایع و تداوم آن در سال‌های آتی، صنایع باید به سمت توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی صنعتی گاز بروند.

سهیل محمودیان کارشناس انرژی در رابطه با اهمیت حل ناترازی مقطعی گاز کشور با تکیه بر ذخیره‌سازی صنعتی گاز به «جوان» گفت: کشورهای مختلف برای غلبه بر ناترازی گاز در ماه‌های سرد سال از این روش استفاده می‌کنند. به ویژه کشورهایی که گاز را وارد می‌کنند و برایش بهای زیادی می‌پردازند، با برنامه‌ریزی تلاش می‌کنند برای ماه‌های سرد سال ذخیره‌سازی انجام دهند.

به صورت متوسط سهم ذخیره‌سازی گاز از کل مصرف در دنیا ۱۱ درصد و در بین همه کشورهایی که مخزن ذخیره‌سازی گاز دارند، ۱۶/۴ درصد است. این عدد برای اروپا برابر با ۲۳ درصد و برای ایران ۱/۴ درصد است. آمارها نشان می‌دهد که ظرفیت ذخیره‌سازی گاز برای کشورمان به ازای کل مصرف بسیار پایین است و باید سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه داشته باشیم.

وی ادامه داد: واقعیت این است که در حال حاضر با ناترازی گاز در ماه‌های سرد سال مواجه هستیم. به‌نحوی که مجبور می‌شویم گاز صنایع را قطع کنیم و عدم‌النفع بالایی را متحمل شویم. دولت در ابتدای سال جاری به ابلاغ آیین‌نامه‌ای پرداخت که در آن بسترهای لازم به منظور ذخیره‌سازی گاز برای زمان اوج مصرف گاز مهیا شده است. در این آیین‌نامه دولت تضمین کرده است که گاز را با قیمت تخفیفی، در ماه‌های غیر اوج مصرف در محل ذخیره‌سازی به صنایع تحویل دهد. طبق آیین‌نامه مورد بحث، صنایع مختار هستند هر نوع ذخیره‌سازی را که برایشان راحت‌تر است، انتخاب کنند.

بنابراین، هیچ اجباری در مورد نحوه ذخیره‌سازی وجود ندارد. با توجه به مشوق‌هایی که برای ذخیره‌سازی گاز توسط صنایع در نظر گرفته شده است، اگر صنایع برای تأمین گاز مورد نیازشان در ماه‌های سرد سال چاره اندیشی نکنند، خودشان مسئول قطعی گاز هستند.

این کارشناس انرژی با اشاره به اینکه قطع گاز صنایع برای کشور عدم‌النفع بالایی دارد؛ اظهار کرد: صنایع نیز خودشان از این تعطیلی اجباری متضرر می‌شوند. اگر صنایع به سمت ذخیره‌سازی گاز بروند، گاز را با قیمت یارانه‌ای در ماه‌های غیرسرد سال تحویل می‌گیرند، این گاز تخفیفی را در ماه‌های سرد سال به محصولات تبدیل می‌کنند و با قیمت بالایی به فروش می‌رسانند. بنابراین، این طرح سود سرشاری را نصیب صنایع و کشور می‌کند. صنایع باید از الان به فکر تأمین گاز موردنیازشان در ماه‌های سرد سال بعد باشند. باید سرمایه‌گذاری برای تأمین زیرساخت‌ها توسط صنایع بزرگ شروع شود.

وی ادامه داد: اگر صنایع با وجود بسترها و مشوق‌های موجود در راستای ذخیره‌سازی گاز برای ماه‌های سرد سال بعد چاره اندیشی نکنند، نه تنها مقصر اصلی قطع گازشان در زمستان سال بعد هستند، بلکه کشور را هم با عدم‌النفع بالایی روبه‌رو می‌کنند. ذخیره‌سازی گاز برای صنایع بسیار سودمند است، زیرا تأمین پایدار انرژی را در زمان اوج مصرف تضمین می‌کند. در ماه‌های سرد سال، قیمت محصولات به شدت افزایش می‌یابد. از آنجایی که صنایع گاز را با قیمت بسیار پایین در ماه‌های غیر سرد سال تحویل گرفته‌اند، با فروش تولیداتشان سودهای کلانی می‌برند.